



ساختار ارتش و شیوه‌ی نبرد در عصر اشکانیان

اسماعیل نساجی زواره*

اشاره

سلوکیان (آخرین بازماندگان اسکندر) را برچید و سرزمین ایران از شر استیلای بیگانگان رهایی یافت. مرزداران سلحشور و ارتش مقتدر پارتی که سواره‌نظام آن در جهان مشهور بود، توانست با دولت بزرگ و نیرومند روم برابری کند و مدت ۳۰۰ سال رومی‌های جسور را در آن سوی رود فرات زمینگیر سازد و به هوس‌های جهان‌گشایانه‌ی آنان پایان بخشد. در این نوشتار، به بیان شیوه‌های نبرد اشکانیان

سلسله‌ی «پارتیان» پس از مادها و هخامنشیان، سومین امپراتوری آریایی است که نام آنان اولین بار در متون قرن هفتم ق.م در سال‌نگاری‌های آشوریان آمده است [ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۱۴]. پارت در کتیبه‌ی داریوش اول «پَرْتَوَ» نامیده شده است. این سلسله به مدت ۴۷۶ سال (۲۵۰ ق.م تا ۲۲۶ میلادی) بر ایران حکومت کردند [صفا، ۱۳۵۶: ۲۱]. در زمان این دولت بود که ارتش توانمندش بساط بیداد



پرداخته‌ایم.

گرچه پیرامون ترکیب و کارکردهای ارتش اشکانی مانند ارتش هخامنشی، مدارک زیادی در دست نیست، اما براساس شرحی که مورخان معتبر از رشادت، چالاکی و مهارت سربازان این سلسله در حمله و تیراندازی ذکر کرده‌اند، می‌توان گفت که پادشاهان اشکانی، طی پنج قرن، پیروزی‌های درخشان خود را مرهون مانورهای برق‌آسا و دلاوری‌های سپاه خود می‌دانند و شهرت و افتخار تاریخی سواران ایران، در واقع از همین دوره آغاز می‌شود.

ضرورت تشکیل ارتش

نیروهای نظامی در گذشته عامل اصلی به قدرت رسیدن گروهی خاص در هر کشور بودند. مهم‌ترین وظیفه‌ی آنان، حمایت از خاندان پادشاه در مقابل تهدیدات و خطرات بود. به عبارت دیگر، مشروعیت دستگاه حکومتی به قدرت سیاسی و نظامی ارتش بستگی داشت [ازغندی، ۱۳۷۴: ۵۰].

حکومت اشکانی برخلاف سایر حکومت‌های ایرانی قبل از خود، هم‌چون هخامنشیان و سلوکیان که بر سازمان و تشکیلات منظمی متکی بودند، دارای سپاه منظمی نبود و سازمان ارتش آن دارای ضعف اما از آنجایی که این سلسله به سرزمین‌های ایران اهمیت زیادی می‌دادند، برای غلبه بر رقبای قدرتمند خود، تشکیل ارتشی منظم و کارآمد را امری ضروری می‌دانستند. بنابراین مقاومت این دولت در برابر حملات سکاها، مبارزه با رومیان و طرد سلوکیان از سرزمین ایران، وجود ارتشی قدرتمند را که حامی خاندان سلطنتی و عاملی برای سرکوب شورشیان باشد، می‌طلبید [راوندی، ۱۳۸۴: ۶۱۹].

سازمان ارتش

مورخان در آثار خود به اواخر دوره‌ی تاریخ پارت

و جنگ‌های آنان با رومیان توجه دارند و درباره‌ی آغاز تاریخ اشکانی اطلاعاتی در منابع نیست. مؤلفان رومی نیز به شیوه‌ای غیر اصولی و نامنظم، اطلاعاتی درباره‌ی نوع سازمان‌دهی، تسلیحات و فنون جنگی ارائه داده‌اند. بنابراین، برای معرفی روشمند و اصولی نیروهای مسلح پارتیان، این شیوه کافی نیست. به هر حال، مسئله‌ی بسیار مهم، ترکیب اجتماعی ارتش اشکانی است که دارای ساختار فئودالی بود [وُلْسکی، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۱۱۴].

در نبردها، سپاه این سلسله از سربازانی تشکیل می‌شد که زیردست آزادگان و فرمانروایان محلی بودند و برای سوارکاری و تیراندازی تربیت می‌شدند. آنان بیش‌تر به فرمانروایان محلی خود وفادار بودند تا به پادشاه. لذا این جوهر فئودالی و نداشتن نظام فرماندهی متمرکز، در نبرد با رومیان بسیار تأثیرگذار بود. عده‌ای از مورخان، این شیوه‌ی سازمان‌دهی را به‌خاطر پیشینه‌ی تاریخی و زندگی قبیله‌ای و دشت‌نشینان اشکانیان می‌دانند [http://fa.wikipedia.org].

سواره‌نظام

وسعت قلمرو اشکانیان و موقعیت جغرافیایی آن، وجود نیرویی را برای واکنش سریع در مقابل دشمنان ایجاد می‌کرد. از این‌رو، بخش «سواره‌نظام» همانند دوره‌های قبل شکل گرفت. سواره‌نظام اصلی‌ترین قسمت ارتش اشکانی را تشکیل می‌داد و این دسته خود از دو قسمت تشکیل می‌شد: سواره‌نظام سبک اسلحه و سواره‌نظام سنگین اسلحه [کالچ، ۱۳۵۰: ۸۵].

سواران سبک اسلحه که بدنه‌ی اصلی سپاه سواره‌نظام را تشکیل می‌دادند، فقط به تیروکمان مجهز بودند و از زره و کلاهخود استفاده می‌کردند [بویل، ۱۳۶۸: ۱۵۳]. این رسته مخصوص تیراندازی تربیت و تجهیز





رسته‌ی دیگر سواره‌نظام ارتش اشکانی، سواره‌نظام سنگین اسلحه بود. یونانیان، افراد این رسته را «کاتافراکتس»^۹ می‌نامیدند که به‌عنوان نیروی ضربت وارد کارزار می‌شدند و با نیزه به دشمن حمله می‌کردند؛ به طوری که آرایش دشمن را به هم می‌ریختند و باعث شکست او می‌شدند [ولسکی، ۱۳۸۶: ۱۴۸]. ساختار سواران این رسته، تقلیدی از ساختار سواران سنگین اسلحه‌ی هخامنشی و سلوکی بود؛ به طوری که ساسانیان هم از آنان تقلید می‌کردند.

سواران سنگین اسلحه، فاقد نرمش و انعطاف بودند. زره‌پوشان این گروه، زرهی بر تن می‌کردند که تمام بدن آنان را می‌پوشانید؛ به طوری که هیچ قسمتی از بدن سرباز دیده نمی‌شد. این اولین بار بود که چنین زرهی در دنیا اختراع شده بود و حتی کهنه‌کارترین جنگجویان رومی در تمام سوابق خود چنین زرهی ندیده بودند [http://lotuseu ploration. belogfa.com].

همان‌طور که اشاره شد، افراد سواره‌نظام سنگین اسلحه، عامل ضربت و جنگ بودند و از میان «آزادگان» انتخاب می‌شدند [دیاکونف، ۱۳۵۱: ۷۴]. اسلحه‌ی تدافعی آنان عبارت بود از: جوشن چرمی بلندی که تا زانو می‌رسید و روی آن قطعاتی از آهن و فولاد می‌دوختند. کلاهخود فلزی آنان طوری بود که تا پشت گردن و قسمتی از صورت را

می‌شدند. به همین علت، چست و چالاک بودند و پیش از آن‌که دشمنان در مقام دفاع برآیند، آنان را زیر باران تیر می‌گرفتند و با جنگ و گریز خسته می‌کردند [راوندی، ۱۳۸۴: ۶۳۰]. این سواران آن‌قدر در تیراندازی مهارت داشتند که از دور می‌جنگیدند و تیرهای آنان به هدف اصابت می‌کرد. زبردستی‌شان در تیراندازی به حدی بود که موقع تاخت، به چابکی روی زین برمی‌گشتند و به‌طور قیقاج^۳ تیراندازی می‌کردند. با این حالت، تیرشان کمتر به خطا می‌رفت. سواران سبک اسلحه چنان در میدان کارزار از خود هنرمندی نشان می‌دادند که حتی در اشعار هوراس^۴ تعریف و تمجید می‌شدند.

در ابتدای جنگ، رسته‌های سوار سبک اسلحه از هر طرف به دشمن حمله می‌بردند. تیرهای خود را به شدت به سوی دشمن پرتاب می‌کردند و تلفات زیادی به او وارد می‌ساختند. اگر دشمن به حمله مبادرت می‌کرد، آنان از درآویختن و مبارزه‌ی تن‌به‌تن پرهیز می‌کردند و به سرعت عقب‌نشینی می‌کردند؛ ولی در عین حال، دست از تیراندازی و اذیت دشمن برنمی‌داشتند. بنا به گفته‌ی برخی از مورخان، کار دیگر این سواران، بلند کردن گرد و خاک بود تا دشمن قادر به تشخیص میزان آمادگی و یا سمت عقب‌نشینی آنان نشود [http://eyiran.belogfa.com].

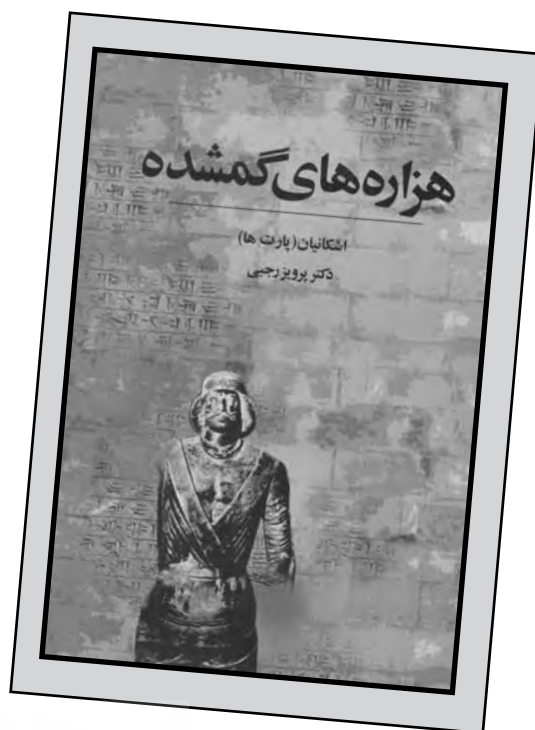


می‌دادند. به استناد اطلاعات به دست آمده، این رسته از ارتش در جنگ‌ها نقش مهمی نداشتند و افراد آن غالباً در عقب جبهه به حفظ و حراست اردو مشغول بودند [راوندی، ۱۳۸۴: ۶۳۰].

پیاده‌نظام اشکانی جهت پیکار با دشمنان، در کوهستان‌ها، دره‌ها، صخره‌ها و مناطق صعب‌العبور مستقر می‌شدند و وظیفه‌ی آنان حفظ حراست از مراکز نظامی، پادگان‌ها و مکان‌های نگه‌داری تسلیحات بود [خدادادیان، ۱۳۷۹: ۲۸۷].

سپاه ویژه

این سپاه بیش‌ترین وظیفه‌اش حفاظت از جان پادشاه، درباریان و تأسیسات درباری و دولتی بود و توان پیکار با دشمنان را به اندازه‌ی سپاه سواره‌نظام نداشت؛ لذا هیچ‌گاه وارد میدان رزم نمی‌شد. وظیفه‌ی سپاه ویژه این بود که وقتی پادشاهان و سران سپاه اشکانی شخصاً داخل



حفظ می‌کرد. شلوار چرمی تا روی پا می‌پوشیدند و اسبان خود را با پوششی از چرم شتر می‌پوشاندند که روی آن‌ها قطعاتی از آهن و فولاد به شکل پر مرغ دوخته شده بود و تمام این قطعات صیقلی و براق بود. این نوع سلاح، ابتکار خود اشکانیان بود و توسعه و تشکیل آن در اولین دوره‌ی حکومت این سلسله به اتمام رسیده بود [ولسکی، ۱۳۸۶: ۱۱۵].

اسلحه‌ی تعرضی این سواران عبارت بود از: یک نیزه‌ی خیلی محکم که طول آن به دو متر می‌رسید و قدرت بازوی سوار در نیزه‌زنی به اندازه‌ای بود که غالباً با یک ضربه دو نفر را به هم می‌دوخت؛ به علاوه، یک شمشیر کوتاه دولبه با یک کارد به کمر می‌آویختند که در مبارزه‌ی تن‌به‌تن استفاده می‌شد [http://eyiran.com/blogfa.com]. به تدریج، سواران سنگین اسلحه‌ی پارتی زیانزد مردم آن روزگار شدند و مؤثرترین نیروی کارزار در نبردهای آسیایی به‌شمار آمدند [خدادادیان، ۱۳۷۹: ۲۸۷].

پیاده‌نظام

واحد دیگر تشکیلات ارتش در دوره‌ی اشکانی، رسته‌ی پیاده‌نظام بود. سپاه پیاده از لحاظ مقام و موقعیت، بعد از سواره‌نظام قرار داشت و تعداد افراد آن را بیش‌تر بردگان و روستاییان تشکیل



تمام تیراندازی می‌کردند و عجیب این‌که هنگام عقب‌نشینی، تیرهای آنان غالباً به هدف می‌خورد و سواره‌نظام دشمن را به حیرت می‌انداخت [راوندی، ۱۳۸۴: ۶۳۰].

پرچم

پرچم مظهر حاکمیت یک دولت و نماد عظمت ارتش آن است. با اقتدار و عظمتی که در ارتش اشکانی سراغ داریم، نمی‌توان گفت که آنان فاقد پرچم بوده‌اند. سپاه دولت اشکانی مانند سایر ارتش‌ها، برای برقراری نظم و ایجاد شور و هیجان در میان سربازان، از پرچم استفاده می‌کرد و در پهنه‌های کارزار آن را به دست فردی ورزیده و نیرومند می‌سپرد و سربازانی چست‌وچالاک از آن دفاع می‌کردند. در نبردهای باستانی، همواره کوشش فرماندهان پارتی بر این بود که پرچم را افراشته نگه دارند و جنگجویان را با دیدن آن نیرو و پایمردی بخشند.

کاوش‌های تاریخی نشان می‌دهد، اشکانیان پرچم‌های ابریشمین زیبایی داشته‌اند. نقش درفش این سلسله، اژدها، خورشید، اسب و خوشه بوده و گاهی مانند رومی‌ها، در ساخت آن تصویر عقابی دوسر به کار می‌بردند و گاهی هم چون بابلیان ماه و ستاره را. معروف‌ترین پرچم دولت اشکانی «درفش اژدها» نام داشت که معرف بزرگ‌ترین یگان ارتش پارتی بوده است [بخترتاش: ۱۳۸۴ هـ. ق: ۱۱۹].

روحیات رزمی سربازان

سربازان اشکانی از لحاظ زندگی خیلی ساده و قانع بودند. در سواری و تحمل سختی‌های جنگ به‌حدی پرتاقت بودند که مایه‌ی حیرت رومی‌ها شدند. پارت‌ها از جنگ‌های شبانه پرهیز می‌کردند و همین‌که هوا تاریک می‌شد، از مبارزه دست می‌کشیدند و در مسافتی خیلی دور از دست‌رس دشمن اردو می‌زدند. زیرا از یک‌طرف به خندق‌کنی و استحکام اردوگاه خود عادت نداشتند و از طرف دیگر، چون به اسبان خود خیلی علاقه‌مند بودند، لازم می‌دانستند که شب‌ها به آن‌ها استراحت دهند [www.iran-goftogoo.com].

سربازان این سلسله، هیچ‌گاه از سلاح‌هایشان جدا نمی‌شدند. حتی در مهمانی‌ها و زمانی که در جنگ یا شکار نبودند، وظیفه‌ی خود می‌دانستند که سراپا مجهز باشند تا در صورت لزوم بتوانند در مقابل تهاجم ناگهانی دشمن واکنش



گیرودار جنگ می‌شدند، از آنان مراقبت می‌کردند [همان، ص ۲۸۸].

اسبان پارتی

یکی از مهم‌ترین تجهیزات جنگی در دوره‌ی اشکانیان، اسب بود. اسب‌هایی که پارتیان پرورش می‌دادند، از بهترین اسبان زمان خود و مایه‌ی رشک دیگران بودند؛ به‌طوری که چینی‌ها نسبت به اسبان این سلسله حسد می‌بردند. این حیوانات تیزرو دارای سینه‌های فراخ، ریه‌های قوی و توانایی‌هایی قابل بودند که فقط به‌صورت چهارنعل حرکت می‌کردند [ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۳۵].

اسب در «نسا»، نخستین پایتخت اشکانیان و مناطق هم‌جوار آن پرورش داده می‌شد و از چنان قدرت، چالاک‌ی و هوشیاری برخوردار بود که خود اشکانیان بخش بزرگی از پیروزی‌های خویش را مدیون این حیوان می‌دانستند. به همین دلیل، در جبهه‌های جنگ از اسب با دقت فراوان مراقبت و محافظت می‌شد. پوشش دفاعی اسبان جنگی در برابر تیر دشمنان و مصون نگه‌داشتن آن‌ها در برابر آسیب‌های احتمالی، «برگستوان» نام داشت. برگستوان از صفحات چرمی ضخیم درست می‌شد و گاهی به‌صورت زره‌های زنجیری بود. لذا آن را به پیشانی، ران و جاهای دیگر جانور که در معرض اصابت می‌توانست قرار بگیرد، می‌بستند [خدادادیان، ۱۳۷۹: ۲۸۷]. سواران سبک‌اسلحه، روی اسب ضمن تاختن با دقت

نشان دهند [ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۳۵].

دیگر از شیوه‌های نبرد آنان این بود که سپاه دشمن را به داخل کشور می‌کشاندند، هم‌چنان عقب‌نشینی می‌کردند، آذوقه را از بین می‌بردند و چاه‌های آب را پر از خاک می‌کردند. آن‌گاه مردم محل را علیه دشمن می‌شورانند تا سرانجام آن‌ها را شکست می‌دادند [http://daneshname.roshd.ir].

* دبیر تاریخ، زواره اصفهان

پی‌نوشت

1. parthava

۲. یکی از اقوام هند و اروپایی بودند که مدت‌ها از عهد سلطنت مادها تا قسمتی از دوره‌ی اشکانیان، همواره بر ایران می‌تاختند.

۳. اریب، کج

۴. شاعر رومی

5. Catafractes

6. Bargostavan

منابع

۱. ازغندی، علیرضا. ارتش و سیاست. نشر قومس. تهران. ۱۳۷۴.
۲. بختورتاش، نصرت‌الله. تاریخ پرچم ایران. انتشارات بهجت. تهران. ۱۳۸۴. ه.ق.
۳. بویل، جی. آ. تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی. ترجمه‌ی حسن انوشه. انتشارات امیرکبیر. تهران. ج ۳.
۴. خدادادیان، اردشیر. اشکانیان. نشریه دید. تهران. ۱۳۷۹.
۵. دیاکونف، م. م. اشکانیان. ترجمه‌ی کریم کشاورز. انتشارات پیام. تهران. ۱۳۵۱.
۶. راوندی، مرتضی. تاریخ اجتماعی ایران (ج ۱). انتشارات نگاه. تهران. ۱۳۸۴.
۷. صفا، ذبیح‌الله. تاریخ سیاسی- اجتماعی و فرهنگی ایران. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۵۶.
۸. کالج، مالکوم. پارتیان. ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا. انتشارات وزارت فرهنگ و هنر. تهران. ۱۳۵۴.
۹. معین، محمد. فرهنگ معین. تهران. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۶. ج ۲.
۱۰. ورستاندیک، آندره. تاریخ امپراتوری اشکانیان. ترجمه‌ی محمود بهفروزی. انتشارات جامی. تهران. ۱۳۸۶.
۱۱. وُلَسکی، یوزف. شاهنشاهی اشکانی. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر. انتشارات ققنوس. تهران. ۱۳۸۶.

12. www.iran-goftogoo.com

13. http://daneshname.roshd.ir

14. http://eyiran.belogfa.com

15. http://fa.wikipedia.org

16. http://lotuseuploration.belogfa.com

در جنگ، از ارابه‌ها و گردونه‌های دوره‌ی هخامنشیان در ارتش این دوره اثری دیده نمی‌شود. پارت‌ها در فصل زمستان مایل به جنگ نبودند. بعضی از مورخان تصور می‌کنند، چون مهارت آنان بیش‌تر در تیراندازی بود و در فصل زمستان به‌علت رطوبت هوا زه‌کمان‌ها سست می‌شد، تیرهای سربازان کاری نبود، ولی بیش‌تر آنان بر این عقیده بودند که چون تأمین علوفه‌ی اسبان در زمستان سخت است و این حیوانات به خاطر کمی علف ناتوان و بی‌پا می‌شدند، از این‌رو تا حد امکان در این فصل از جنگ پرهیز می‌کردند [www.iran-goftogoo.com].

سربازان اشکانی پیش از آغاز جنگ، تمرین‌های لازم را به‌اجرا درمی‌آوردند و با روحیه‌ای شاد به جبهه‌های جنگ می‌رفتند. آنان به دشمنی که در حال خوردن یا آشامیدن بود، حمله نمی‌کردند و بر این باور بودند که پس از آن‌که دشمن سیر شد، باید به او حمله کرد؛ زیرا انسان سیر راحت‌تر مغلوب می‌شود، ولی انسان گرسنه پرخاشگر است. سربازان و نظامیان اشکانی حق نداشتند که به زیور و زینت‌آلات نظامیان دشمن چشم‌طمع بدوزند.

پارتیان مرگ در بستر را ننگ و کشته شدن در میدان جنگ را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانستند. آنان می‌کوشیدند که میدان مصاف و جبهه‌های پیکار با دشمن را در محلی که چشمه‌های آب در تیررس و نزدیکی‌شان بود، انتخاب کنند تا در جنگ فرسایشی و طولانی، مشکل بی‌آبی، سربازان و اسبان را از پای درنیاورد.

آنان به هنگام جنگ، شماری از اجساد دشمن را به داخل روستاها و شهرها آورده بودند و به تبلیغ در زمینه‌ی شکست دشمن و پیروزی‌های خود می‌پرداختند. به این روش، از کمک‌های مردم بهره‌مند می‌شدند. مردم هم نیروی انسانی و آذوقه را در اختیار آنان قرار می‌دادند. بدین ترتیب، در یک نتیجه‌گیری و ارزیابی کوتاه می‌توان چنین استنباط کرد که در دوره‌ای از تاریخ ایران باستان که اشکانیان زمام امور را در دست داشتند، سپاهیان پارتی با ازخودگذشتگی‌ها و استفاده از آداب جنگی، بیش‌ترین پیروزی‌ها را برای این سرزمین و مردم ایران به‌ارمغان آوردند [خدادادیان، ۱۳۷۹: ۲۹۱-۲۹۰].

پارتی‌ها جنگ را با فریاد و حمله شروع می‌کردند و صدای طبل و دهل آنان مانند غرش رعد به همه‌جا می‌پیچید. یکی

